

نام کتاب: مرغ کوچولویی که می خواست دریا را ببیند

نویسنده: کریستین ژولی بوآ و کریستین هنریش

مترجم: نیلوفر آبسالان

بازخوانی متن: آناهیتا آذری نجف آباد

ویراستار ادبی: محبوبه آرامی

کارشناس هنری: پردبا علمی

ناشر: تجربه نو

چاپ: چاپخانه صبا

نوبت چاپ: اول

سال: ۱۳۹۱

تیراژ: ۲۰۰۰

قیمت: ۳۵۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۲۶۰۲-۰۰۱

فهرست نویسی براساس اطلاعات فیبا

صندوق پستی: زاهدان ۹۸۱۵۵-۸۷۹

دفتر مشهد: ۰۹۱۰۵۰۰۶۶۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱۶۶۵۷۳۹۳۵

دفتر زاهدان: ۰۹۱۵۹۶۹۲۲۵۹

پست الکترونیکی: tajrobenow@yahoo.fr

New Experience تجربه نو

سرشناسه: ژولی بوآ، کریستیان ۱۹۴۸ - م. Jolibois, Christian

عنوان و نام پدیدآور: مرغ کوچولویی که می خواست دریا را ببیند

نویسنده: کریستین ژولی بوآ و کریستین هنریش

مترجم: نیلوفر آبسالان

مشخصات نشر: زاهدان: تجربه نو، ۱۳۹۰.

مشخصات ظاهری: ۲۴ ص.: مصور (رنگی)

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۲۶۰۲-۰۰۱

وضعیت فهرست نویسی: فیبا

یادداشت: عنوان اصلی: La petite poule qui voulait voir la mer

یادداشت: گروه سنی: ب.

موضوع: داستان های حیوانات

موضوع: داستان های تخیلی

شناسه افزودن: هنریش، کریستیان، ۱۹۴۵ - م.

شناسه افزودن: Heinrich, Christian

شناسه افزودن: آبسالان، نیلوفر، ۱۳۲۵ - م. مترجم

رده بندی دیویی: ۱۳۹۰ م ۷۱-۵۹۰ د۱

شماره کتابشناسی ملی: ۲۵۰۶۳۴۴

پیشگفتار

انتشارات «تجربه نو» افتخار دارد در راستای اهداف آموزشی خود، مجموعه‌ایی از کتب آموزشی و تربیتی کودک و نوجوان را در اختیار والدین گرامی قرار دهد. فرزندان ما در دنیای کودکانی خود نیاز به تجربه‌های کوچک و امن دارند. راهگشای آینده این کودکان، راهنمایی پدر و مادر است. کودکان می‌خواهند زندگی پیرامون خود را تجربه کنند. آموزش دادن شیوه درست زندگی کردن، وظیفه ماست. آموزش درست، به زندگی آنها معنا می‌بخشد. ذهن خلاق آنها کارخانه پرسش‌سازی است و زمانی اکتاع خواهند شد که پاسخ را از دریچه نگاه خود دریافت کنند. همین خلاقیت بارور ذهن کودک است که او را پذیرای پاسخ‌های متفاوت می‌کند. کودک زبان قصه را درک می‌کند چرا که مبنای پرسش‌های او داستان‌های ذهنی‌اش هستند. بنابراین شاید بی‌راه نباشد اگر بگوییم برای تربیت کودکان باید کودک شد و حکمت زندگی را کودکانه بر زبان جاری ساخت.

انتشارات «تجربه نو» با دارا بودن چهار واحد علوم، هنر، ادبیات و همچنین واحد کودک و نوجوان، تلاش می‌کند تا تجربه‌های نو را به دو نسل امروز و فردا بيشکشد.

انتشارات تجربه نو

در یک مرغ دانی، زمان تخم گذاری مرغان
 فرار سیده بود. مادر در حال نگاه کردن به جوجه
 مرغ ها بود. مرغ ها داشتند تلاش می کردند و به
 خودشان سختی می دادند تا تخم بگذارند. اما فقط
 «کارملا» هیچ تلاشی نمی کرد. کارملا به مادرش
 گفت: «تخم گذاشتن، فقط تخم گذاشتن، همیشه
 کارمان همین است. در زندگی کارهای بسیار جالب
 تری هم می توان انجام داد».

